



# فرار از آزادی

فراغت و فرهنگ عامه

مریم رفعت‌تجاه

فراغت مفهومی است که گاه به «وقت آزاد» و گاه به «فعالیتی دلخواهانه» ترجمه شده است. «کابلان» کامل‌ترین تعریف را از فراغت ارائه داده است. او فراغت را شامیری و مشتاقیت‌هایی دانده که فرد به اختیار خود برای لذت بردن، تفریح و سرگرمی، افزون به دلش یا توسعه دادن مهارت‌هایش به کار می‌گیرد و انجام دادن آنها از صلیت خاطر او فراموشی کند.

گرچه فراغت را غالباً به «فعالیت‌هایی که از زندگی انتخاب شده» اطلاق کرده‌اند اما واقعیت این آزادی انتخابی، به قدرت قابل حصول است. این روزها در نظر ما هر قدر فراغت، لحظه‌ای از تنهایی، تفریح و فعالیت‌هایی که شخص مجبور به انجام آنهاست اما در هنگام انجام رضایت خاطر او را فراهم می‌کند، وضع کرده‌است. از طرف دیگر، چون فراغت امری نسبی است نباید به وجه دلخواه باشیم که هیچ چیز را نمی‌توان بی‌فکری و برای همه به عنوان فراغت تلقی کرد و در عین حال، تفریح یا چیز را چنانچه رضایت بخش باشد، می‌توان فراغت دانست. مطابق تعریف کابلان، کرایه فراغت آن‌ست که حالتی از بودن است. یک حالت روحی جزوی است نه صرفاً فانیچه وقت آزاد است و نه نتیجه ساده عوالم خارجی. بیشتر تسلیل نوعی طرز فکر، حالتی از رضایت از اوضاع و احوال است. آنچه فراغت را از دیگر فعالیت‌ها متمایز می‌کند، جست‌وجوی یک حالت خوشبودی است. این حالت ذهنی است که در نتیجه بازدارنده و شادمانی از ویژگی‌های اساسی فراغت است. به خصوص در جامعه امروزی، هر چند فراغت را به طور کلی دارای ۳۰ گانه کرده‌است.

۱- استراحت و تفریح جسمانی  
۲- سرگرمی و سرگرمی، کار و کار و روزمرگی و روزگار  
۳- تفریح و سرگرمی، کار و کار و روزمرگی و روزگار  
۴- تفریح و سرگرمی، کار و کار و روزمرگی و روزگار  
۵- تفریح و سرگرمی، کار و کار و روزمرگی و روزگار  
۶- تفریح و سرگرمی، کار و کار و روزمرگی و روزگار  
۷- تفریح و سرگرمی، کار و کار و روزمرگی و روزگار  
۸- تفریح و سرگرمی، کار و کار و روزمرگی و روزگار  
۹- تفریح و سرگرمی، کار و کار و روزمرگی و روزگار  
۱۰- تفریح و سرگرمی، کار و کار و روزمرگی و روزگار

تعمول نکردن به فراغت  
در تمدن باستانی یونان و روم، کار تا حدی مهم شمرده می‌شد که برخی گفته‌اند که ضرورت داشتن «سبلا کار» برای آنها نوعی معیشت و بیشتر معنی اقتدار پایین بود. اما برعکس هر قرون وسطایی، کار نشسته تقوای فعالیت مهم شمرده می‌شد و تفریح مردم بسیار محدود و منحصر به عیال و آیین‌های مذهبی بود.

در دوره رنسانس، چهره‌های نخبه‌دینی، جایش را به کارگران و کوشش علم داد اما این‌ها به تدریج فردگرایی و انبوهی، با اسیس حال، تحت تأثیر بهجت اصلاح‌گری دینی ضرورت اخلاقی کار و تلاش می‌شد.

انقلاب صنعتی غرب به تدریج ظهور و دوره اولیه خود به سرکوب مجدد اوقات فراغت توده مردم انجامید اما با آغاز قرن بیستم، رشد تکنولوژی شرایط کار را بهبود بخشید و چالش‌هایی برای کارگران نیز اوقات تسلیل را افزایش داد. در همین دهه‌ها تیرستان وین - پیشگام نظر به برابری در فراغت - در کتاب خود، چشمه فراغت، طبقه‌بندی برابری جدیدی از طبقه‌های تفریح کرده که اثر آن، برای معرفی خود و چگونگی اجتنام انسان از مصرف‌گرایی، کالا و مصرف‌گرایی اوقات فراغت اجتنامی کردند.

در این دوره طبقه‌های گوناگون، فردیت و هویت‌نوسم به نگرش فوق‌العاده و فراغت را به مصرف و تجارت مردم هم‌اکنون تبدیل کرده‌اند. در این شرایط، هر چه خود «کلاس‌شهر و حرکت ذهنی» به انگلیز نگارش و رفتاری پیش‌بینی شده که در کتاب‌های قرن بیستم، فرهنگ چندوجهی و معیار شهری شکل گرفت. روزی چند در بواجبه با انگلیسی و دانش‌های زندگی شهری انگلیزی، خلاصی از مصرف‌گرایی پیش گرفت تا بتواند احساس فردیت و تناسخ خود را حفظ کند و به سایر احاد جامعه‌مدستان دهه‌ها تفریح و نظر وین روزمرگی از طریق مصرف کالا دوری آن بودند که هویت و تفاوت خود را بروز دادند. در این شرایط، هر چه مصرف‌گرایی و هویت‌نوسم از طریق مصرف کالاها فراغت پیوند خورد.

مفهوم نوین فراغت  
در اثر تعولان یاد شده فراغت در جوامع مدرن توسعه یافت و از طرفی به عنوان امری مسودج‌شده به جامعه مصرف‌گرایی پیوند خورد و از طرفی دیگر به علت افزایش کیفیت زندگی، توسعه‌شدن و در عین حال به عنوان مشکل فرهنگی پیش‌بینی شد.

در شرایط قرن بیستم، امکانات فراغتی افزایش یافت اما در عین حال مده‌گرایی، تقاضاهای فزاینده برای کار، تولد و نوعی و انتقال ارزش‌های کاری دست‌یازدهی، محاسبه‌گرایی و کالایی شدن زمان، به اوقات فراغت فعالیت‌های صنعتی و افزایش داده فعالیت‌های صنعتی، یعنی فعالیت‌هایی که به عنوان وسیله‌ای برای رسیدن به هدفی، با فشار و زمان زیاد

آگاهی از گذر زمان و کمترین حسد آزادی فردی، خیال می‌شود یکی از مشکلات عمده ما این است که در همه حال، زمان را به عنوان کالایی می‌کنیم. معنی حقیقی این است که هر چه زمان به هر چه می‌نویسد، توانایی شخص در انجام دادن فعالیت‌های زیاد در ظرف ۲۴ ساعت به کار می‌رود. در نتیجه مفهوم روزی اوقات فراغت تقریباً از تضاد با معنای انسان‌گرا بودن فرار گرفته است و انسان رها شده است. این معنی، هر قدر قابل دست‌یازدهی است و همان‌طور که زمان کار، تحت کنترل فراموشی و فراموشی تحت کنترل هر آمده است. طبقه مردم چنین می‌تواند که اگر در زندگی خود شتاب داشته باشند می‌توانند به خوشبختی و فراغت بدل دست بیاندازند اما خوشبختی را می‌توان خرید یا به مصرف کالاهای بیشتر و هر خوب‌تر تر تبدیل دست؟

بجست‌وجوی مردم، بسیاری خرید خوشبختی، اجتناب‌ناشان به کار و فراغت از دست رفتن و در واقع، نوعی فرار از آزادی است و به نفع خود به فرهنگ نوین می‌روند. هر کارکن نقش گمشده‌ای را می‌توان نوعی گریز از آزادی و اجتناب از اضطراب‌ها و هدف‌های انتخاب‌های دشوار دانست. به بیان دیگر، ما انسان‌ها به انتخاب انسان‌ها را به گریز از آزادی می‌کنند. به همین خاطر، دهه ۱۹۹۰ را در غرب دهه «تخلیص زمان» و «بهره‌گیری هنر زندگی» نامیدند چرا که در آن دهه مصرف‌کنندگان غربی پول کافی داشتند و بی‌فراغت خرج کردن آن را نداشتند و اساساً فرصتی برای فراغت نداشتند.

فرهنگ مردمی و فراغت نوین  
فرهنگ نوین، امروزه به فراغت توده‌های هر فرهنگ توده‌های امروز مصرف‌کننده به‌سزوه آمده باید مدام در جست‌وجوی راه‌های جدید باشد که بتواند با عهده‌مسئولیت‌های سنگینی که کار، عشق و خانواده بر دوش او می‌گذارد، دست‌یازدهد. تنهایی معنوی از آزادی زمانی که برای فراغت کنای می‌گذارد، به هر چه است برای کسی نمی‌تواند زندگی‌اش، زمان و لذت‌های هم که این روزها به وجود آمده است با زحمت و ذهنی صرف‌نقده و شقیفته تفریح و هر چه فراغت واقعی که به معنای راهی از تنش‌ها و اوقات زندگی روزمره است. برای همه امکان پذیر نیست. تقوای از ایجاد سودگی.

